

## High2 vocab

Aa	
abandon (v)	رها کردن (مادرکودکش را در ۵ سالگی رها کرد)
abracadabra (interj)	کلام دارای خاصیت سحر و جادویی (مثل: آبی مجی لاترجی)
accomplice (n)	شریک جرم
acquainted (adj)	آگاه- آشنا- مطلع (آگاه از جزئیات پرونده و...)
acumen (n)	تیز هوشی- زیرکی (زیرکی او در حرفه اش)
administration (n)	دولت- دستگاه حکومت
administrative (adj)	اجرایی- اداری (شغل اداری/اجرایی)
admission (n)	اجازه ی ورود- پذیرش (به مدرسه، جامعه و...)
admit (v)	قبول کردن- پذیرفتن (اشتباه خود را پذیرفتن)
adrenalin (n)	هورمونی که باعث افزایش فشارخون و ضربان قلب میشود (هنگام ترس و...)
advisory (n)	هشدار رسمی
aficionado (n)	هوخواه- دوستدار (هنر دوست، ورزش دوست و...)
aftermath, the (n)	عواقب بعدی- پیامد (مثلاً: عواقب بعد از تیر اندازی)
aide (n)	معاون- وِردست
ailment (n)	بیماری مُزمن
airsick (adj)	مبتلا به حالت تهوع و بهم خوردگی مزاج در اثر پرواز
alias (n)	نام قلابی (کالا و...) - نام مستعار
all work and no play makes Jack to become a dull boy (exp)	[اشاره بر این دارد که] انسان نباید تمام وقت خود را صرف کار کردن کند بلکه باید استراحت نیز بکند
allocation (n)	تخصیص (تخصیص بودجه به بخش مسکن)
alternate (v)	متناوب کردن (اومتناوب می خندید و سرفه میکرد)
ambitious (adj)	جاه طلب- بلندپرواز
amusement park (n)	پارک تفریحی
anchor (n)	سرخیز گزار
angel (n)	فرشته
anniversary (n)	سالروز (مثلاً: سالروز ازدواج)- یادبود سالبانه
appendix (n)	ضمیمه- فهرست مطالب اضافه (معمولاً در آخر کتاب)
appliance (n)	دستگاه- وسیله (مثلاً: وسایل خانگی)
approximately (adv)	تقریباً
around the corner (exp)	[در] نزدیکی (در این نزدیکی ها یک ایستگاه وجود دارد)
arrest (v)	دستگیر کردن یا شدن
as strong as an ox (exp)	[خیلی] قوی
assemblyman (n)	عضو مجلس قانون گذار
assign (v)	گماشتن [به کار]
astounding (adj)	حیرت آور
attendance (n)	حضور (مثلاً: حضور مرتب در کلاس)
attorney (n)	وکیل [مدافع]
aviator (n)	خلیان
Bb	
B.A.	لیسانس علوم انسانی (Bachelor of Arts)
Bahamas (n)	کشور باهاما (واقع در اقیانوس اطلس)
bail out (v)	دست برداشتن- جا زدن (دست برداشتن از سرمایه گذاری)
bankruptcy (n)	ورشکستگی
beast (n)	جانور- حیوان
beetle (n)	سوسک
befriend (v)	دوستانه رفتار کردن- محبت کردن [به کسی]
beggar (n)	گدا- تهیدست
behoove (v)	واجب یا شایسته بودن (it behooves sb to do sth)
best bet (exp)	بهترین راه (گزینه) ممکن
billing (n)	[باز یگر، مجری و...] منتخب سال
Bitte, was bedeutet telecommute?	لصفاً [بگوید]، تلکمیوت (کار کردن از راه دور) به چه معنی است؟ (آلمانی)
blackish (adj)	مایل به سیاه
blend (n)	آمیزه - مخلوط (مثلاً: آمیزه ای از رنگ قرمز و زرد)
(as) blind as a bat (exp)	کور (مثلاً: من بودن عینکم تقریباً کور هستم)
blink (v)	چشمک زدن (چراغ و...)
blister (n)	تاول
blow (v)	برده شدن توسط باد یا فوت (مثلاً: باد برف ها را از این سو به آنسو می برد)
boarding house (n)	پانسیون
bond (n)	اوراق قرضه- قرارداد
boom (v)	غریدن (مثل: صدای رعدوبرق)
breakneck (adj)	سرسام آور- بسیار وحشتناک (مثل: سرعت زیاد)
brigantine (n)	نوعی کشتی دو کله با بادبان مربعی شکل
B.S. (n)	لیسانس علوم (Bachelor of Science)
buckle (v)	بستن (کمر بند و...) خم کردن یا شدن- چین خوردن
bulletin (n)	بیانیه مختصر و رسمی
bureau (n)	دیوان (مثل: دیوان عدالت و...) اداره
burnout (n)	خستگی جسمی و روحی ناشی از کار زیاد
by far	بسیار- به مراتب (بسیار مهم)
Cc	

caffeine (n)	کافئین (که باعث بی خوابی میشود)
camaraderie (n)	همراهی - همدمی
campaign (n)	مبارزه- پیکار (مثل: پیکار انتخاباتی)
candidate (n)	نامزد- کاندید
captivating (adj)	فریبنده- دلربا
carbohydrate (n)	کربوهیدرات
cargo (n)	محموله- بار
carnival (n)	جشن- کارناوال
carpe diem (exp)	قدر همان روز را دانستن و نهایت استفاده را از آنروز کردن (چون نمی دانی فردا زنده ای یا مرده)
castle (n)	قلعه
catastrophic (adj)	فاجعه انگیز- مصیبت بار
caution (n)	احتیاط - هوشیاری
chandelier (n)	لوستر- چلچراغ
chauffeur (v)	رانندگی کردن
Christmas Eve (n)	عید میلاد مسیح
chronic (adj)	مزمن (بیماری)
clean up after (v)	نظافت و پاکسازی کردن جایی بعد از اینکه نامرتب یا کثیف شد
clue (n)	سرنخ
cockpit (n)	کابین (هواپیما، ماشین، قطار و...)
colonist (n)	مهاجر- مستعمره نشین
colony (n)	مستعمره
columnist (n)	مقاله نویس
comeback (n)	دستیابی مجدد- بازگشت (به وضعیت، قدرت و... سابق)
commit (v)	مرتکب شدن (جرم، جنایت و...)
community (n)	جامعه- اجتماع- عوام
competitive (adj)	پیشی طلب- سبقت جو
comptroller (n)	سر حسابدار
conduct (v)	اداره یا مدیریت با اجرا کردن
consciously (adv)	از روی قصد
consequence (n)	نتیجه- پیامد
contemplate (v)	در نظر داشتن- قصد داشتن
contribution (n)	همکاری و کمک
conviction (n)	محکومیت- مجرمیت
Corfu (n)	یکی از جزایر مستعمره یونان که در سواحل شمال غربی این کشور قرار دارد
cornstarch (n)	ارد ذرت- نشاسته ذرت
cottage (n)	کلبه- خانه روستایی
couch potato (n)	معتاد به تلوزیون
counselor (n)	مشاور
crack (v)	گشودن- شکستن (معما، رمز، مشکل و...)
craft (n)	صنایع دستی- هنر های دستی
cramp (n)	گرفتگی عضله- انقباض ماهیچه در اثر کار زیاد
crayon (n)	مدادشمعی
creed (n)	اعتقادات- آیین
crew (n)	خدمه (کشتی، هواپیما و...)
critical (adj)	بسیار مهم- حیاتی- بحرانی
crop (n)	(کشاورزی) محصول
cross - country (adj)	[از] راه فرعی- ورزش های میدانی و صحرایی
crucial (adj)	سرنوشت ساز - بسیار مهم
cum laude (adv)	نمره الف در دانشگاه
curriculum (n)	برنامه آموزشی- برنامه تحصیلی (ایا زبان فرانسه در برنامه آموزشی مدرسه قرار دارد؟)
cut from the same cloth (exp)	[در زمینه خاصی] خیلی به هم شباهت داشتن
Dd	
dazed (adj)	گیج- منگ (به علت: خستگی، سانه، هیجان و...)
deadline (n)	مهلت- موعد مقرر
deal with (v)	رسیدگی کردن به
decent (adj)	در خور - مناسب- شایسته
defy (v)	مقابله یا سرپیچی کردن- تو روی (کسی) ایستادن
delegate (v)	محول کردن (کار، وظیفه و...) به دیگران
delicacy (n)	غذای (خورشیدی) لذیذ و گران قیمت در عین حال کمیاب
Democrat (n)	عضو حزب دموکرات
depict (v)	(به) تصویر کشیدن- نشان دادن
deprivation (n)	فقدان (مثلاً: فقدان خواب)
devote to (v)	اختصاص دادن (وقت، نیرو و... خود) به فعالیت خاصی
differential (adj)	م تفاوت (مثلاً: نرخ های متفاوت)
dim sum (n)	نوعی غذای چینی که در ظروف کوچک سرو میشود
disguise (v)	پنهان کردن (چوش، لکه و...) (بوسیله آرایش و...)
dissolve (v)	حل کردن (مثلاً: حل کردن نمک در آب)
distemper (n)	(مرض) هاری
district attorney (n)	بازپرس بخش قضایی

## High2 vocab

do the time (exp)	دزدان بودن
dodgem car (n)	ماشین برقی (که در شهر بازی ها سواران میشوند)
doughnut (n)	نان کماجی (نان شیرینی گرد و مانند حلقه)
doze (v)	چرت زدن
Dracula (n)	یک شخصیت افسانه ای خون آشام
drained (adj)	خسته ذهنی و جسمی
drop in (v)	سر زدن - سر زده به جایی رفتن
drought (n)	خشکسالی
drowsy (adj)	خواب الود
drug (v)	دارو دادن (برای بیهوش یا خواب آلود کردن فرد)
dude ranch (n)	مزرعه تفریحی (عموماً برای اسب سواری و پیاده روی)
dye (v)	رنگ کردن (مو، پارچه و...)
Ee	
ellipsis (n)	(دستور زبان) حذف به قرینه
elude (v)	فرار کردن- گریختن (دزد از دست پلیس فرار کردند)
embark (v)	آغاز کردن- اقدام کردن به (به فعالیت خاصی)
embarrassment (n)	شرم (خجالت)
embittered (adj)	تلخکام
emerge (v)	پدیدار شدن- شناخته شدن
emperor (n)	امپراتور
enchanted (adj)	جادو شده- طلسم شده
encounter (v)	مواجهه شدن با- برخوردن به
engage in (v)	پرداختن به
engrave (v)	حکاکی کردن- حک کردن
enterprise (n)	شرکت- مؤسسه
equivalent (adj)	معادل- برابر
erode (v)	(فلز و...) را خوردن- ساییده شدن
erratic (adj)	غیر قابل پیش بینی- سرسری- دارای مسیر نامعین
escapade (n)	شیطنت- ماجراجویی (مثلاً: شیطنت دوران کودکی)
evaluate (v)	ارزیابی کردن
evaluation (n)	ارزیابی
exceed (v)	گذشتن از (از حد انتظار)- (از حد چیزی) تجاوز کردن
excellence (n)	برتری - شگرفی- مزیت
excerpt (n)	قطعه منتخب- گلچین
extend (v)	تمدید کردن یا شدن- طول دادن
eye (n)	مرکز هر چیزی (به خصوص مرکز گردباد)
Ff	
fall out of fashion (exp)	از محبوبیت افتادن
fascinated (adj)	مجنوب- شیفته
fate(n)	تقدیر- سرنوشت
fatigue (n)	خستگی مفراط
faucet (n)	شیرآب
fault (n)	گسل- شکست زمین
feline (adj)	مانند گربه (گربه وار)
ferry (n)	یک نوع قایق کوچک برای جابجایی های کوتاه
fill (v)	(شغل و...) دارا بودن- منصوب کردن یا شدن
finicky (adj)	دیرپسند- بهانه گیر - بدقلق
flatten (v)	هموار کردن یا شدن
flier (n)	آگهی (روی یک کاغذ کوچک)
foundry (n)	کارخانه ذوب فلز (ریخته گری یا شیشه گری)
frantic (adj)	از گوره در رفته- از خود بی خود- بی تاب
fratricide (n)	برادر کشی
fumes (n)	گاز- دود
funicular (n)	قطار کابلی
furious (adj)	عصبانی - خشمناک
fuss over (v)	ابراز محبت کردن به- لطف کردن به
Gg	
Galapagos Islands	مجموعه جزایر ایتالیایی فشانای واقع در غرب کشور اکوادور که به خاطر گونه های جانوری کمیابشان مشهور هستند
garlic (n)	سیر
gasp(v)	نفس نفس زدن (بدلیل: هیجان، بیماری، کار زیاد و...)
gear (n)	ادوات - اسباب (ادوات کوهنوردی و...)
genetic code (n)	کد ژنتیک
genie (n)	جن- پری (که آرزو ها را برآورده میکنند)
genius (n)	نویغ- هوشمندی
genocide (n)	کشتار دسته جمعی - قتل عام
geophysicist (n)	متخصص ژئوفیزیک
get away with (v)	جان سالم به در بردن- گریختن- قفسر در رفتن
glimpse (n)	نگاه اجمالی و گذرا
gnat (n)	پشه (حشره ریز ذوباله)
grandiose (adj)	ظاهرا مجلل- عالی نما- پرآب و تاب
grant (v)	قبول یا موافقت کردن- تصدیق کردن
grave (n)	قبر

graveyard (n)	قبرستان
guardian angel (n)	فرشته ی نجات (فرشته ی محافظ)
Hh	
harass (v)	آزار دادن- اذیت کردن
hardship (n)	تنگدستی- گرفتاری زندگی
harsh (adj)	ناخوشایند- سخت (مثلاً: زمستان های سخت الاسکا)
have a say (exp)	داشتن حق اظهار نظر در مورد چیزی
herbal (adj)	گیاهی (مثل: چای گیاهی)
hiccup (n)	سکسکه
high tide (n)	مد (مد دریا)
hijack (v)	هواپیما ربایی کردن
hit-and-run (n)	فرار از محل بعد از سانحه رانندگی
hobble (v)	مانع شدن (از پیشرفت چیزی)- مختل کردن
honeymoon (n)	ماه عسل
Hong Kong (n)	منطقه ای در جنوب چین که مستعمره انگلیس بود اما بعدها به چین برگردانده شد اگرچه هم اکنون سیستم مالی و اداری مستقل از چین دارد
hostile (adj)	دشمنانه- خصومت آمیز
household (adj)	مربوط به خانه (مثلاً: کار های خانه)
housing (n)	خانه و مسکن- جای زندگی
Howland Island (n)	جزیره ای در شمال اکوادور واقع در اقیانوس آرام که بدون سکنه است
hurricane (n)	تندباد
Ii	
ice pack (n)	کیسه ی یخ
Ich kann das wort nicht verstehen	جمله ی آلمانی به معنی «من معنی آن لغت را نمیدانم» (I can't understand that word)
identity (n)	هویت
illegal (adj)	غیر قانونی
impending (adj)	قریب الوقوع- نزدیک
impress (v)	تحت تاثیر قرار دادن
inaccessible (adj)	دور از دسترسی - دور افتاده
inconclusive (adj)	بی نتیجه- ناتمام (بحث بی نتیجه)
indisputable (adj)	غیر قابل شک و تردید- بی چون و چرا
infer (v)	استنباط کردن- پی بردن
inquire (v)	جوياشدن- پرسش کردن
intersection (n)	چهارراه - تقاطع
intensive care (n)	مراقبت های ویژه (بیمارستان)
intractable (adj)	سرکش - رام نشدنی (مشکل رام نشدنی بیکاری)
intriguing (adj)	جالب- گیرا
investigator (n)	مامور تحقیق
ironic (adj)	طنعنه آمیز
irritable (adj)	بد اخلاق- تند مزاج
isolation (n)	انزوا- گوشه نشینی
issue (n)	موضوع (موضوع مورد بحث)
itchy (adj)	خارش آور - خارش دار
J	
jail (n)	زندان
jar (v)	لر زدن- تکان دادن
jerk (n)	مردکه- آدم احمق و خطاکار
Kk	
karaoke (n)	تکرار کردن آهنگ مورد علاقه هنگامی که بخش میشود (پخش آهنگ های بی کلام آوازهای مشهور و خواندن خود آواز توسط فرد جهت سرگرمی یا تظیف کردن)
kick out (v)	بیرون انداختن (بیرون پرت کردن کسی)
kick up your heels (exp)	سنگ تمام گذاشتن- لذت بردن
koala (n)	کوالا
Kowloon (n)	نام شهری در جنوب شرقی چین که بعنوان پاداش به انگلستان واگذار شده بود (بدلیل استعمار هنگ کنگ) اما بعدها دوباره به چین برگردانده شد
Ll	
Lamma Island (n)	سومین جزیره بزرگ هنگ کنگ که جزیره ای بی طرف است و هیچ جاده و اتومبیلی بر این جزیره وجود ندارد
landfill (n)	محل دفن زباله های خانگی و صنعتی
landlord (n)	صاحبخانه
lap (n)	ران (قسمت بالایی پا که موقع نشستن سطح صافی را ایجاد میکند و میتوان مثلاً laptop را روی آن قرارداد)
lavish (v)	گشاده دستی کردن- اسراف کردن- بی دریغ چیزی را تثار کسی کردن (اظهار محبت بیش از اندازه به دوست)
lawn (n)	علفزار - چمن زار (بوژه در اطراف خانه)
layoff (n)	(از کار) بیکارسازی (عموماً بصورت موقت)
layover (n)	ایست موقت (در حین سفر)- توقف میان راه
leading (adj)	برجسته- اصلی- عمده
legend (n)	افسانه (آدم برجسته و مورد بحث)
legitimate (adj)	مشروع- قانونی- درست- منطقی

## High2 vocab

leisure (n)	اوقات فراغت
leukemia (n)	سرطان خون
lifelike (adj)	واقعی (این عکس خیلی واقعی بنظر می رسد)
limousine (n)	لیموزین (اتومبیل بزرگ و مجلی که کابین راننده و سرنشینان توسط یک صفحہ جدا شده است)
linguistic (adj)	زبان شناسی - زبان شناختی
LLB (n)	لیسانس حقوق (Bachelor of Laws)
loafer (n)	کفش چرمی که معمولاً مثل دمپایی است و کفی صاف دارد
Loch Ness (n)	نام دریاچه ای در کوہستان های اسکاتلند
loot (n)	تاراج - غنیمت (ج: غنایم)
loss (n)	زیان - ضرر - خسارت
lottery (n)	قرعه کشی
lukewarm (adj)	ولرم (مثلاً: آب ولرم)
luxurious (adj)	مجلل
<b>Mm</b>	
mahjong (n)	نوعی بازی چینی با ۱۴۴ یا ۱۳۶ مهره
mantra (n)	عقیده، سخن و... قدیمی و پیش پا افتاده و تکرار شونده
marble (n)	سنگ مرمر
marital status (n)	وضعیت تأهل (مجرد، متأهل، بیوه و...)
Martian (adj)	مریخی (کسی که در مریخ زندگی میکند)
matricide (n)	مادر کشی
mature (adj)	بالغ
mayor (n)	شهردار
mean (adj)	(ادم) پست فطرت - بدجنس - شرور
measles (n)	سرخک
memo (n)	یادداشت (عموماً بین دو همکار که دیکر چا کار میکنند)
merry-go-round (n)	چرخ گردان (چرخ فلک) (در شهر بازی)
mesmerize (v)	هیپنوتیزم کردن - مجنوب کردن
meteorologist (n)	هواشناس
migrate (v)	مهاجرت کردن - کوچ کردن
moan (v)	اه و ناله کردن - شکوه کردن
mobility (n)	(قدرت) تحرک
moderate (adj)	متعادل - متوسط (مثلاً: کارگر با حقوق متوسط)
monitor (v)	کنترل کردن (مثلاً: کنترل کردن علانم حیاتی)
monster (n)	هیولا - غول
mortgage (n)	رهن - گرو (اقساط بانکی)
mosquito (n)	پشه
mow (v)	(با داس یا چمنزن و...) زدن - بریدن - چین (چمن و...)
mule (n)	قاطر
<b>Nn</b>	
nasty (adj)	نامطبوخ - (بسیار) بد
naval (adj)	وابسته به نیروی دریایی
neurosis (n)	اختلال روانی (اختلال اعصاب)
New Guinea (n)	بزرگترین جزیره دنیا که در شمال استرالیا واقع است (نام قدیمی این جزیره پاپواست)
newsletter (n)	خبرنامه
nightmare (n)	کابوس
nuclear power (n)	انرژی هسته ای
<b>Oo</b>	
oatmeal (n)	حریره - فرنی (نوعی غذای داغ صبحانه که با جوی له شده و شیر یا آب درست میشود)
obligation (n)	وظیفه
obstacle (n)	گیر - مانع (مثلاً: موانع زندگی)
odor (n)	بو - رایحه (عموماً بوی ناخوشایند)
offender (n)	خطا کار - مجرم
on the air (exp)	روی صحنه (در رادیو، تلویزیون و...) (این برنامه برای اولین بار در سال ۱۹۹۸ روی صحنه رفت)
open house (n)	پذیرایی از مهمان - جشن عمومی
opponent (n)	حریف
optimistic (adj)	خوش بین
orienteering (n)	مسابقه دوی صحرایی (به کمک قطب نما)
overdo (v)	افراط کردن (در مصرف، خوردن و... چیزی)
overindulge (v)	لوس کردن - بیش از حد گذاردن
overwhelm (v)	متأثر کردن - دست پاچه کردن
ox (n)	گاو نر
<b>Pp</b>	
painkiller (n)	مسکن
paramedic (n)	بهباز - کمک پزشکی
pastime (n)	سرگرمی - وقت گذرانی - مشغولیت
patricide (n)	پدر کشی
patron (n)	مشتری - مراجعه کننده
peacock (n)	طاووس
peer (n)	هم سن و سال

perfectionism (n)	کمال گرایی
periodically (adv)	هر چند وقت یکبار - متناوباً
permissiveness (n)	آسانگیری
perplexing (adj)	گیج کننده - پیچیده
pest (n)	آفت
pigsty (n)	اغل خوک (منظور جای کثیف و بهم ریخته است)
pinch (v)	نیشگون گرفتن
pitch-black (adj)	بسیار تاریک (بسیار سیاه)
plant (n)	نیروگاه - کارخانه
platform (n)	جایگاه (مبارزه داوطلبان برای کسب جایگاه وزارت)
plot (v)	(روی نقشه) تعیین کردن - نشان دادن
poise (n)	وقار - متانت
poised (adj)	متین - موقر
poison ivy (n)	پیچک سمی آمریکایی
poll (n)	نظر سنجی (عمومی) کردن
pond (n)	تالاب - آبگیر
pool (v)	سرمايه گذاري مشترک کردن (تصحیلات اشتراکی)
pop in (v)	(به سرعت) خوردن، رفتن، آمدن، حرکت کردن و...
Pope (n)	پاپ (پیشوای کاتولیک ها)
porch (n)	سرسرا - ورودی سر پوشیده - ایوان
portfolio (n)	آثار هنری که یک فرد جمع آوری با ایجاد کرده (مثلاً: تمام نقاشی هایی که یک هنرمند تا حالا کشیده است)
precursor (n)	پیشرو - ماده تشکیل دهنده چیزی
predominant (adj)	عمده - اصلی
presumably (adv)	احتمالاً
priority (n)	اولویت - حق تقدم
pro (adj)	(ورزشکار و...) حرفه ای (که آن فعالیت را انجام میدهد چون شغلش است نه برای تفریح و سرگرمی)
proceed (v)	پیش رفتن - جلو رفتن
procrastinate (v)	تفره رفتن - امروز فردا کردن
prompt (n)	برانگیختن یا واداشتن (به حرف زدن، فعالیت کردن و...)
property (n)	دارایی (ج: اموال)
proponent (n)	طرفدار - خواهان (مثلاً: خواهان حقوق زنان)
psychiatrist (n)	روانپزشک
public relations (PR) (n)	روابط عمومی
pursue (v)	دنبال کردن (اومیدانست دنبال چه حرفه ای برود)
pursuit (n)	فعالیت - سرگرمی (فعالیت های هنری او)
put off (v)	(به بعد) موکول کردن
<b>Qq</b>	
quake (n)	زمین لرزه - لرزه - لرزش
quarterback (n)	(درفوتبال) بازیکن خط حمله
quiet as a mouse (exp)	خیلی آرام (بدون سروصدا)
quintessential (adj)	نمونه (شهر اصفهان در بین شهر ها نمونه است)
<b>Rr</b>	
raft (n)	قایق مسطح الواری (کُلک)
raid (n)	یورش - دستبرد - حمله ناگهانی
rash (n)	محل خارش یا تحریک روی پوست (جوش)
rating (n)	رتبه - درجه
rear (adj)	عقب - پشت (مثلاً: چرخ های عقب ماشین)
recreation (n)	تفریح - سرگرمی
recur (v)	تکرار شدن - دوباره روی دادن
redress (v)	جبران کردن
regicide (n)	شاه کشی (یا ملکه کشی)
release (v)	منتشر ساختن - عرضه کردن (اطلاعات و...)
reliable (adj)	قابل اطمینان
reluctant (adj)	بی میل
remains (n)	جسد
reprieve (n)	تعویق (در انجام مجازات، تصمیم و...)
Republican (n)	عضو حزب جمهوری خواه
requiem (n)	آهنگ یا سرود عذا (که در مراسم عزای ربانی برای روح مرده در کلیسا اجرا میشود)
resident (n)	ویژه گر آموزشی (دانشجوی سال سوم پزشکی که برای خیره شدن در یک بیمارستان کار میکند)
résumé (n)	خلاصه ی شرح حال و سوابق کاری (که برای استخدام شدن در یک اداره مورد نیاز است)
riddle (n)	(شخص یا چیز) گیج کننده
rigid (adj)	غیر قابل تغییر - ثابت (برنامه ی کلاسی تغییرناپذیر)
rigorous (adj)	دقیق - مشکافانه (توجه مشکافانه به جزئیات)
roll over (v)	به طرفین کج شدن (در حالت دراز کش) - تلو تلو خوردن
roller coaster (n)	تیزن هوایی
rotting (adj)	در حال فاسد یا پوسیده شدن
rough (adj)	ناهموار - پست و بلند
roust (v)	مجبور کردن کسی به تغییر مکان خود (ما او را از خانه بیرون رانیدیم)

## High2 vocab

rubber band (n)	نوار لاستیکی - کیش (مثل: باند پول)
rugged (adj)	خشن - زُخت - غیر قابل انعطاف (رفتار خشن)
ruin (n)	خرابه
rumored (adj)	شایعه
run (n)	(در مسابقه، انتخابات و...) شرکت کردن
<b>Ss</b>	
sacrifice (v)	فداکاری کردن - فدا کردن
saying (n)	پند - ضرب المثل
scouting (n)	پیشاهنگی
scrap (n)	ضایعات - تکه - پاره (مثلاً: یک تکه کاغذ)
scrub (v)	(محکم) مالیدن - ساییدن (با برس، جارو و...)
seam (n)	درز لباس - خط اتصال دو چیز (چوبی، پارچه ای و...)
seize the day (exp)	قدر همان روز را دانستن و نهایت استفاده را از آنروز کردن (چون نمیدونی فردا زنده ای یا مرده)
sentence (n)	حکم به مجازات
set up (v)	ترتیب دادن - تنظیم کردن (او یک جلسه در خصوص مشکلات مالی شرکت ترتیب داد)
sexist (adj)	جنسیت گرا (پانه)
sheriff (n)	کلانتر - داروغه
shortfall (n)	(پول، بودجه و...) کمبود
shrimp (n)	میگو
sift (v)	وارسی کردن - بررسی و گزینش کردن (از میان یک توده)
significant (adj)	قابل توجه - به مقدار زیاد
simile (n)	(ادبیات) تشبیه
sip (v)	جرعه جرعه یا کم کم نوشیدن
siren (n)	آژیر - سوت خطر
sled (n)	سورتمه
slide (n)	سُر سُرِه
slip (v)	سُر اندن - لیز اندن - انداختن
sneak (v)	دزدکی حرکت کردن (آمدن یا رفتن)
snooze (n)	چرت - خواب کوتاه
soak (v)	خیساندن - خیس خوردن (لوبیاهای رادربا خیسان)
soothe (v)	آرام کردن - تسکین دادن
spell (n)	طلسم - جادو
speedometer (n)	سرعت سنج اتومبیل
spring up (v)	ظاهر شدن - (ناگهان) بوجود آمدن
stable (adj)	تثبیت وضعیت خطرناک بیمار و رفع خطر
stain (v)	لکه دار کردن - لک انداختن
stain (n)	لکه
stall (v)	متوقف شدن یا کردن (از کار انداختن یا افتادن ماشین و...)
stall (n)	غرفه - کیوسک
stay out (v)	بیرون از خانه ماندن یا به سر بردن
stock up (v)	اندوختن (غذا و...) (بدلیل شرایط سختی که در پیش است)
Storsjoeodjuret (n)	یک هیولای آبی که طبق گفته ها در عمق ۱۰۰ متری دریاچه Storsjeon واقع در شمال غرب سوئد زندگی میکند
stranded (adj)	به گِل نشسته - سرگردان (مثلاً: مسافران سرگردان)
structure (n)	سازه (مثل: پل، ساختمان و...)
stubborn (adj)	کله شق
stubborn as a mule (exp)	خیلی کله شق
student council (n)	شورای دانش آموزی
stumble (v)	لنگان لنگان رفتن
subconscious (adj)	ناخود آگاه (مثلاً: ترس ناخود آگاه از آب)
suicide (n)	خودکشی
sulky (adj)	اخم - دلخور
sum up (v)	خلاصه کردن
superhero (n)	ابر قهرمان (یک شخصیت افسانه ای در فیلم)
supplement (n)	مکمل (مثلاً: مکمل های پروتئینی)
surf (v)	گشت و گذار در اینترنت یا تلویزیون
survival (n)	بقا
sustain (v)	تحمل کردن
swear (v)	ناسزا گفتن - فحش دادن
sympathize (v)	همدردی کردن
syndrome (n)	مجموعه علائم بدنی و ذهنی بیماری - سندروم
<b>Tt</b>	
take up (v)	شروع به انجام کاری (که بصورت عادت تکرار میشود)
tavern (n)	میخانه - مسافرخانه
tax (v)	(چیزی یا کسی را) به کوشش و چاره سازی واداشتن
teahouse (n)	قهوه خانه - چای خانه
tear off (v)	کندن - درآوردن (مثلاً: کندن کاغذ دیواری از روی دیوار)
tedious (adj)	خسته کننده - کسل کننده
teem with (v)	پُربودن (از) (مثلاً: رودخانه پر از ماهی است)
telecommute (v)	کار کردن از راه دور (به ویژه در منزل)
the rat race (exp)	سگ دوی - کشاکش (به دلیل زندگی در شهرهای بزرگ)

theft (n)	سرقت - دزدی
theory (n)	نظریه - گمان
therapist (n)	درمان شناس (روانپزشک)
thorn (n)	خار - تیغ
thoroughly (adv)	کاملاً - دقیقاً
threshold (n)	سرحد - مرز - آستانه (مثلاً: ۱۸ درصد رای موافق سرحد تصویب صلاحیت نماینده است)
thrive (v)	رشد و نمو کردن
throne (n)	تخت شاهی
tidal wave (n)	موج جزرومدی (منظور موج ویران کننده است)
tile (n)	کاشی
toad (n)	وزغ
togetherness (n)	همبستگی - صمیمیت - دوستی
tombstone (n)	سنگ قبر
tongue-in-cheek (adj)	به طور غیر جدی - با شوخی
tortoise (n)	لاک پشت
tough (adj)	دشوار (مثلاً: آزمون / تصمیم دشوار)
trace (n)	ردپا - اثر - نشانه (سارقان هیچ ردپایی از خود باقی نگذاشته بودند)
track (v)	ردیابی کردن - پیگیری کردن
trailer (n)	تریلر - واگن (پشت بند)
transcript (n)	رونوشت
transform (v)	دگرگون کردن
treadmill (n)	دستگاه ورزشی - تردمیل
treasure hunt (n)	(بازی) گنج یابی (یک نوع بازی که با جواب دادن به سوال ها در خانه های مختلف به چیز مدنظر دست میابیم)
tropical (adj)	استوایی (مثلاً: گیاهان استوایی)
trumpet (n)	شنیور
turn in (n)	تحويل یا ارائه دادن (کارهای درخواستی را تحويل دادن)
<b>Uu</b>	
U.C.L.A (abbr)	University of California at Los Angeles
under the circumstances (exp)	به دلایل زیر - بر اساس منطق
upside (n)	طرف مثبت قضیه
urge (v)	وادار کردن - قیولاندن
U.S.C (abbr)	University of Southern California
utensil (n)	لوازم آشپزخانه
<b>Vv</b>	
vague (adj)	مُبهم
validate (v)	اثبات کردن (شواهد بی گناهی مجرم را ثابت کردند)
vaudeville (n)	نمایش چندگانه (شامل: رقص، آواز، مسخره بازی و...)
vegetate (v)	خوردن و خوابیدن
veterinarian (n)	دامپزشک
villain (n)	(درمان، فیلم و...) آدم بد (در مقابل قهرمان داستان)
violent (adj)	خسونت آمیز - خشن
vocation (n)	شغل - حرفه
vulnerable (adj)	آسیب پذیر
<b>Ww</b>	
ward (n)	(بیمارستان) بخش
weave (v)	بافتن - درست کردن
weird (adj)	غیر عادی و مرموز
wilderness (n)	صحرا - بیابان
wistful (adj)	حسرت بار - اندوهگین
witch (n)	(زن) جادوگر
withstand (v)	دوام آوردن (در برابر...) - تحمل کردن
worrier (n)	آدم غصه خور و بدخیال
<b>Yy</b>	
yacht (n)	قایق تفریحی - کشتی خصوصی
yell (v)	نعره - داد (مثلاً: نعره ی پیروزی)
(more than) your fair share of sth (exp)	به مقدار قابل توجه از چیزی (به خصوص چیز ناخوشایند)

you can download High2 vocabulary list from :

❖ [en-world.ir](http://en-world.ir)

e-mail:

❖ [amohammadg@yahoo.com](mailto:amohammadg@yahoo.com)